

دربارهٔ «آوارگان» نوشته فلتری اوکانر

معجزات هوناک

امیرحسین خورشیدفر

از فلتری اوکانر (۱۹۶۴–۱۹۲۵) تاکنون سه کتاب به فارسی خوانده‌ایم. مجموعه داستان «شمعدانی» و رمان «شهود» را آذر عالی پور ترجمه کرده و رمان کوتاه «آوارگان» را احمد اخوت که در مجموعه رمان‌های کوتاه ادبیات جهان و توسط نشر فردا منتشر شد. کتاب با مقدمه شیرینی از سفر مترجم به جست‌وجوی شهر آبا و اجدادی اوکانر، پانزده سال بعد از مرگ او آغاز می‌شود. جذاب‌ترین بخش این مقدمه ملاقات احمد اخوت است با مردی که ادعا می‌کند الگوری اوکانر برای آوردن شخصیت اصلی داستان «روز جزا» بوده. در پایان کتاب هم گفت‌وگوی با هورتون فوت دربارهٔ این کتاب آمده است. فوت فیلم‌نامه‌نویس فیلمی است که در ۱۹۷۶ با اقتباس از آوارگان ساخته شد. داستان با ورود مهاجران لهستانی به مزرعه‌ی در ایالت جنوبی جورجیا آغاز می‌شود. کشیش کهنسالی به‌خانم مک اینتایر مالک مزرعه می‌قبولاند که به این آوارگان اروپایی مسکن و کار بدهد. حضور تازه‌واردها برای خانم و آقای شورتلی که قدیمی‌ترین کارگران مزرعه هستند گران تمام می‌شود. لهستانی‌های پرکار چند هفته پس از آمدن باعث اخراج دو کارگر سیاه‌پوست می‌شوند و این رنگ خطری است برای آقای شورتلی که با به سن گذاشته و بیمار است و مدتی است که از پس کارها بر نمی‌آید. یک روز خانم شورتلی به‌طور اتفاقی گفت‌وگوی کشیش و صاحبخانه را می‌شنود و درمی‌یابد که نوبت اخراج آنها رسیده. شوهر و فرزندانش را واهی دارد که از مزرعه بگریزند و به جای دیگری بروند تا شرافت‌شان لکه‌دار نشود. برای دوربین روایت اوکانر که تا اینجای داستان خانم شورتلی را یک لحظه رها نمی‌کرد هم ترک مرعه دشوار است. فرار خانواده شورتلی باعث می‌شود که نظر خانم صاحبخانه آرام‌آرام نسبت به لهستانی‌ها تغییر کند. وقتی آقای شورتلی به مزرعه باز می‌گردد و خبر مرگ همسرش را به خانم صاحبخانه می‌دهد دیگر بدبینی این خانم ثروتمند به حداعلای خود رسیده است. داستان با صحنه شوک‌آور و تکان‌دهنده‌ی به پایان می‌رسد. آقای شورتلی در حضور تمام کارگران و خانم صاحبخانه مرد لهستانی را می‌کشد. داستان‌های اوکانر هم مثل دیگر نویسندگان جنوبی آمریکا چون فاکتر، کارسن مک‌کارلز و ترومن کاپوتی پر است از مضامین مذهبی، کاتولیسمی عوامانه و خرافاتی که در صحنه‌های گروتسک یا حتی هجوآلود نمود می‌یابد. جهان ماوراءالطبیعه برای مردمان بی‌سواد داستان‌های اوکانر همیشه در آستانه تجلی است. مثل صحنه‌یی که در همین داستان آوارگان که برای خانم شورتلی رخ می‌دهد. بعد از چندبار خواندن مکاشفه یوحنا یک روز بالای تپه‌یی از زور قلب درد می‌ایستد و ناگهان پیکر عظیمی دربرابر این زن فریه و بی‌اطلاع ظاهر می‌شود و به او هشدار می‌دهد که غریبه‌ها (لهستانی‌ها) هیچ‌کس را سالم نخواهند گذاشت.

خلاصه او داستان سرزمین‌ها و مردمانی را می‌نویسد که وقع معجزه‌برایشان اصلاً عجیب نیست. انگار به چشم خودشان مسیح را دیده باشند یا آنکه طوری زندگی کنند که سرگذشت‌شان در کتاب مقدس بیاید. خشونت مشخصه دیگر این داستان‌ها و جهان داستانی اوکانر است. خشونت درست در جای از داستان بروز می‌کند که هیچ انتظارش را ندارد. فکر می‌کنید داستان مفرحی خوانده‌اید پر از شخصیت‌های ساده انگار و کم عقل. اما اوکانر این همه را می‌نویسد تا فاجعه را به

هولناک‌ترین وضع تصویر کند. او در همین داستان آوارگان سبانه‌ترین سویه مهاجرت را تصویر می‌کند. مبارزه‌یی که لهستانی‌ها ناخواسته در آن وارد می‌شوند و به ابتدا به نظر می‌رسد که در آن پیروز خواهند شد. نظم امور را

به هم می‌ریزند اما در عوض پرکار و قانع اند. دستشان هم مثل سیاه‌پوست‌ها کج نیست. اما مهاجران هر چقدر هم که حسن نیت داشته‌باشند نمی‌توانند عادت بویمان یک سرزمین را تغییر دهند. مرگ مرد لهستانی را همان کسی تدارک می‌بیند و عملی می‌کند که تا صحنه پایانی رمان احساس می‌کردیم مثل فرشته‌ها بی‌گناه است یا آن که حداکثر در قاجاق مشروبات الکلی دست دارد. همان آقای شورتلی حرف گوش کن که عاشق زور بود، درمزد دستی تراکتور را می‌کشد و کنار می‌ایستد تا مرد لهستانی له شود. اوکانر در رمان شهود هم مشابه همین صحنه را نوشته است البته بدون این که کسی کشته شود. پلیس راه اورشلیم هیزل شخصیت اصلی آن کتاب را از بالای یک ترمینال به‌قعر دره هل می‌دهد. تصویر هر دو صحنه یکسان است. سرآشپه‌ی تند، دشتی خلوت، آفتاب تند و یک عنصر متحرک که به‌سرعت پیش می‌رود. معلود آدم‌های حاضر در صحنه با خونرسدی به‌واقع نگاه می‌کنند. هرچند در این داستان وقتی مرد لهستانی جان می‌دهد خانم مک اینتایر هم به حال می‌رود. این صحنه دو صفحه‌ی در داستان آوارگان به نظر من آینه سرشت‌نمای سبک و سلیقه داستان‌نویسی اوکانر است. حماقت، پوچی، طنز و عذاب که به صورت یک تراکتور بر سر پیوترترین آدم داستان فرود می‌آید. البته لهستانی هم به جای خودش نقشه‌هایی توی سر دارد و بی‌خودی نیست که دیگران به او بدبین هستند. می‌توان حدس زد که یک کارگر سیاه‌پوست اوکانری بعد از دیدن صحنه کمر راست کند، عرق پشانی‌اش را خشک کند و بعد به کارش ادامه بدهد. آخر گره‌چه صحنه بسیار هولناکی بود اما دست کم تا پنجاه سال بعد نمی‌توان آن را برای کسی تعریف کرد. آن‌وقت می‌شود گفت که این ماجرا یک معجزه واقعی بود که به چشم خودمان دیدهایم. مثل همیشه هم می‌شود گفت آوارگان نامی کتابی است. همان طور که حدس می‌زنید جز خانم مک اینتایر که صاحب مزرعه است آواره بودن در مورد تمام شخصیت‌های دیگر داستان صدق می‌کند. حتی کشیش پیری که از موعظه کردن خسته شده و دوست دارد در ایوان خانه‌ی بنشیند و برای طاووس‌ها نان خرد کند.

رمان تسلی‌ناپذیر نوشته ایشی گورو در سال ۱۹۹۵ منتشر شد و واکنش‌های مختلفی در میان منتقدان برانگیخت. پس از دریافت جایزه کتاب سال Whitbread در سال ۱۹۸۶ برای کتاب هنرمند دنیای شناور و جایزه بوکر در سال ۱۹۸۹ برای بازمانده روز، آثار ایشی گورو به عنوان بخشی از بدنه ادبیات مدرن شناخته شد و انتظار می‌رفت آخرین رمانش نیز کم و بیش همین خصوصیات را به شیوه یگانه دریافت جوایز و چه از نظر شهرت به پایه آثار پیشین ایشی گورو دست نیافت. از منظر ساختمان ادبی، تسلی‌ناپذیر رمان عجیبی است. برخی منتقدان آن را با قصر کافکا و آلیس در سرزمین عجایب کربول قیاس کرده‌اند. برخی دیگر آن را اثری پیچیده دانسته‌اند که هیچ توصیف و تحلیلی را برنمی‌تابد. تسلی‌ناپذیر بی‌شک رمان نامعمولی است، اما به گمان من مشکلی که

بسیاری از منتقدان این اثر با آن مواجه‌بوده‌اند، ناشی از آن بوده است که به باور آنان یک رمان خوب باید دارای عناصر مشخص زنالیسم اجتماعی باشد، دنیایی که توصیف می‌کند از قوانین طبیعی پیروی کند و شخصیت‌ها بسته به طبیعت‌شان و شرایطی که در آن قرار دارند، معقول یا نامعقول عمل کنند. از یک رمان خوب انتظار می‌رود که قهرمان آن درگیر نوعی کشمکش باشد و در خلال این کشمکش نویسنده درکی از ذات انسانی ارائه دهد. تسلی‌ناپذیر برخلاف آثار پیشین نویسنده دنیایی خلت می‌کند که از قوانین طبیعی زمان و مکان سرپیچی می‌کند. از این منظر می‌توان این رمان را در حیطه داستان‌های تسلی‌ناپذیر برخلاف آثار پیشین نویسنده دنیایی خلت می‌کند که از قوانین طبیعی زمان و مکان سرپیچی می‌کند. از این منظر می‌توان این رمان در حیطه داستان‌های تسلی‌ناپذیر برترساک و بسیاری آثار ادبی که در گونه‌های دیگر قابل طبقه‌بندی نیستند. آنچه به نظر می‌رسد وجه مشترک تمام داستان‌های ذهن‌گرا باشد، عنصر تخیل است. تسلی‌ناپذیر رمانی است که در چارچوب‌های رایج قرار نمی‌گیرد. نویسنده در این رمان در عین وفادار ماندن به عناصر بنیادین یک رمان «خوب»، عنصر تخیل را برای یک هنرمند منزوی و تیزهوش– به کار می‌بندد: رابدر، نوازنده پیانو، میان وظایف و مسوولیت‌های زندگی شخصی‌اش و وظایف و مسوولیت‌هایی که هویت اجتماعی‌اش ایجاد می‌کند، سرگردان است. رمان به نقش هنرمند در جامعه و شکاف موجود میان ایماژهای شخصی و اجتماعی می‌پردازد. این دورنمایه نه در ادبیات بی‌سابقه است و نه در سبک ایشی گورو نامعمول. در واقع ایشی گورو در آثارش همواره به نحوی به این مضمون پرداخته است. اما آنچه تسلی‌ناپذیر را از آثار پیشین او متمایز می‌کند، در چگونگی شرح دنیای شخصی و اجتماعی هنرمند نهفته است، نویسنده این دو دنیا را ابتدا می‌آمیزد. پیرنگ داستان تسلی‌ناپذیر نه نشانه‌ییی از پیچیدگی رمان دارد و نه هیچ وجه اشتراکی با رمان‌های ذهن‌گرا. رابدر، راوی اول شخص، به شهری بی‌نام در

نگاهی به رمان «تسلی‌ناپذیر» نوشته «کازونو ایشی گورو»

داستان‌اندوه و فراموشی

جفری ملونی

ترجمه و تلخیص: پگاه جهاندار

اروپا وارد می‌شود که در آن او را به عنوان بهترین پیانست زنده جهان می‌شناسند. شهر در حالی است که می‌توان آن را رخوت فرهنگی توصیف کرد و از این رو کنسرت رابدر را استقبال فراوانی مواجه می‌شود. رابدر به زودی درمی‌یابد که مردم شهر از او انتظارات فراوانی دارند. او خود را در هیئت یک نجات‌دهنده با شمایل مسیحایی می‌بیند. نویسنده نیز به افردتی مافوق دیگران می‌بخشد. رابدری‌اش آوسانیاسی ذهنسی خارق‌العاده‌یی برخوردار است که او را قادر می‌سازد به ذهن سایر شخصیت‌ها راه یابد و آگاهی‌اش را در زمان و مکان بسط دهد. در ابتدا داستان، دربران هشل (گوستاو) اتاق رابدر را به او نشان می‌دهد. در همان حین که گوستاو خصوصیات اتاق را شرح می‌دهد، خواننده با توانایی ویژه رابدر آشنا می‌شود. رابدر درمی‌یابد که گوستاو به چیز دیگری فکر می‌کند. او نگران دخترش و پسر کوچکش است و رابدر



تسلی‌ناپذیر

کازونو ایشی گورو

ترجمه: سهیل سمی

نشر ققنوس

چاپ اول: ۱۳۸۶

قیمت: ۷۹۰۰ تومان



ایشی گورو در این رمان واقعیت و دنیای خیالی را در هم می‌آمیزد

گفت‌وگویی میان استفان و خانم کالینز را به دقت و با جزئیات کامل می‌شنود، انگار کنش‌راشان ایستاده باشد. ناگهان در صندلی عقب ماشین، بوریس (فرزندخوانده‌اش) تکانی می‌خورد. تمرکز رابدر به هم می‌خورد و به فضای واقعی برمی‌گردد. وقتی دوباره متوجه گفت‌وگوی داخل آپارتمان می‌شود، بخشی از حرف‌ها را از دست داده است. در آثار پیشین ایشی گورو کشمکش درونی هنرمند با به تصویر کشیدن صحنه‌های خصوصی زندگی قهرمان و صحنه‌های حضور او در اجتماع نشان داده می‌شد. در تسلی‌ناپذیر زندگی خصوصی و اجتماعی رابدر در دو دنیا موازی، هر یک متعلق به جهانی جداگانه، جریان دارند. دنباس‌های موازی از عناصر داستان‌های علمی–تخیلی است. در این داستان‌ها این دو دنیا کاملاً جدایی از یک دنیا به دنیا دیگر منتقل می‌شود. مثلاً یک روز از

خواب بیدار می‌شود و روزنامه‌یی را ورق می‌زند و می‌بیند که کلمات برعکس نوشته شده‌اند، یا حوادث تاریخی، آن گونه که او به خاطر می‌آورد، رخ ندهاده‌اند. دنیاهای موازی رابدر نیز به شیوه‌ی مشابه عمل می‌کنند، اما تفاوت میان آنها تا این اندازه حیرت‌انگیز و نمایش‌مانند نیست. در یکی، رابدر موسیقیدانی است بدون تعهدات خانوادگی که می‌تواند بر حرفه و وظایف اجتماعی‌اش متمرکز باشد و در دیگری همچنان موسیقیدان اما متاهل و صاحب یک فرزندخوانده. نویسنده، همان‌طور که درباره ملاقات نکرده است و او را از روی نشانی‌هایی نمی‌داند، دنیاهای موازی قهرمانش را نیز بدون مقدمه جینی بر خواننده آشکار می‌کند. رابدر پس از گفت‌وگو با گوستاو، سراغ سوفی (دختر گوستاو) می‌رود تا با او درباره مشکلاتش صحبت کند. او هرگز

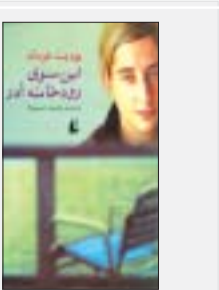
سوفی را ملاقات نکرده است و او را از روی نشانی‌هایی که گوستاو داده است، می‌شناسد. سوفی بدون هیچ زمینه قبلی در مورد خانه‌یی حرف می‌زند که قرار است به فروش برود و از رابدر می‌خواهد همراه او برای بازدید خانه بیاید. رابدر کم‌کم متوجه می‌شود که سوفی پسرش (بوریس) است و بوریس پسرخوانده‌اش. با توجه به ساختار رویاگونه روایت و مرز مبهم میان دو واقعیت در این رمان برخی از منتقدان با این پرسش مواجه‌بوده‌اند که «چه حجمی از کتاب تسلی‌ناپذیر را رویاهای رابدر تشکیل می‌دهند؟» به نظر من پاسخ ساده است: رابدر رویا نمی‌بیند. تجربه او از واقعیت‌های موازی، بخشی از زندگی واقعی اوست و نه رویاهایش. تسلی‌ناپذیر کتابی است که می‌توانست آسان‌تر نوشته شود و منتقدان را نیز راضی‌تر نگاه دارد. اما ایشی گورو در این رمان به تجربه‌های نو در روایت دست می‌زند و واقعیت‌هایی که در دنیای خیالی جای خود را می‌دهد به یکدیگر می‌دهند و به کار می‌بندد تا رویکرد پیشینش به داستان‌نویسی را از نو سامان دهد. او به این منظور از برخی عناصر شناخته‌شده داستان‌های ذهن‌گرا سود می‌جوید و رمانی خلق می‌کند که می‌توان آن را گونه‌یی کلاسیک از داستان تخیلی دانست. منبع: دیلی تلگراف

درباره «این سوی رودخانه اُدر» نوشته «بودیت هرمان»

آسمان تیره و صندلی‌های خالی

علی شروقی

«این سوی رودخانه اُدر» شامل پنج داستان است. شخصیت‌های این داستان‌ها همگی با نوعی خلأ و بحران درونی درگیرند و نویسنده برای نشان دادن این بحران درونی به نحوی نثرمنانه از واقعیت عبثی و بی‌رونی به عنوان ابزار خاطره‌یی که «کورپلینگ» شخصیت اصلی داستان از آن گریزان است و این خاطره به صورت دختر جوانی که تداعی‌گر آن خاطره است در متن زندگی آرام و دور از بیاهووی که او برای خودش ساخته غافلگیرش می‌کند و او را از حیرم‌خانه‌اش به تنگه رودخانه می‌کشاند؛ و به‌جایی که آرامش او را بر هم می‌زند و باعث می‌شود «کورپلینگ» احساس ناامنی کند. هر چند این حس ناامنی پیش از ورود به تنگه و از همان لحظه ورود دختر جوان که تداعی‌گر روزگار گذشته و دوست «کورپلینگ» پاپدر دختر است، در «کورپلینگ» به وجود آمده است و «تنگه» ابزار بازنمایی آن است. تقریباً می‌توان گفت در تمام داستان‌های «بودیت هرمان» بحران از همان آغاز داستان در درون شخصیت‌ها حضور دارد و موقعیت‌های داستانی، و سبلی رودرویی قطعی و عبریان و ضربه‌زننده به این بحران درونی هستند. مثل پایان داستان «دوربین» که در گذشته یک زن با همسرش در یک مکان‌ها آدم‌هاست. عامل دگرگون‌کننده یا برهم‌زننده تعادل در این داستان‌ها معمولاً ماجرای است که در گذشته رخ داده و حضور و تأثیر آن در زندگی کنونی شخصیت‌ها‌گاه آنها را غافلگیر می‌کند. مثل حضور



این سوی رودخانه ادر

بودیت هرمان

ترجمه: محمود حسینی زاد

نشر افق

چاپ اول–۱۳۸۶

قیمت: ۱۶۰۰ تومان

لحظه‌ی و چندساعته «بادی» در زندگی «الن» و «فلیکس» در داستان «هیچ جز ارواح». «الن» و «فلیکس» زوجی هستند تاوان از برقراری ارتباط با یکدیگر که در سفری به آمریکا در یک هتل به «بادی» برمی‌خورند. «بادی» با «الن» حرف می‌زند و ضمن صحبت به او می‌گوید: «اگر بچه‌های من، زندگی‌شان به تنگه رودخانه می‌کشاند؛ و به‌جایی که کوش و ورزشی برای بچه یعنی چی، مثلاً یک جفت کفش ورزشی نایک، سال‌ها می‌گذرد. «الن» و «فلیکس»

روایت دلدادگی هومان



الف، دال، میم

مهدی حجوانی

نشر افق

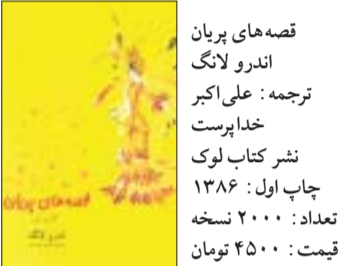
چاپ اول: ۱۳۸۶

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰ تومان

«الف، دال، میم» رمانی است از «مهدی حجوانی» که اخیراً توسط نشر افق منتشر شده است. این رمان، روایت دلدادگی سنگ‌تراشی به نام هومان است. بن مایه‌های تشکیل‌دهنده این رمان بن‌رمایه‌هایی اساطیری هستند و ارجاع به اسطوره‌ها می‌تواند در جای‌جای این رمان ردیابی کرد. سطرهایی از این رمان را با هم می‌خوانیم: «آن سرزمین، گهواره هنروران و پیکر‌تراشان و نگارگران بزرگ بود. هم دورنمای شهر با بناها و برج و باروها و هم حتی خانه‌های فقیرانه‌اش، از سر انگشتان هنروران بهره‌ی داشت. هر خانه و سرا و قصری به رنگی بود و جملگی از فراز کوه‌های گرداگرد شهر، رنگین‌کمانی عظیم می‌نمودند.»

داستان‌های خیال‌انگیز



قصه‌های پریان

اندرو لانگ

ترجمه: علی اکبر

خداپرست

نشر کتاب لوک

چاپ اول: ۱۳۸۶

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

قصه‌های پریان، مجموعه‌یی است از

قدیمی‌ترین افسانه‌ها و قصه‌های خیالی که کمتر

کسی است که در دوران کودکی‌اش با آنها مانوس

نبوده باشد. انتشارات کتاب لوک (وابسته به انتشارات

کاروان) مجموعه‌یی از مشهورترین این افسانه‌ها را

در «قصه‌های پریان» و با ترجمه «علی‌اکبر

خداپرست» منتشر کرده که مجموعه‌یی است جذاب

و خواندنی شامل داستان‌هایی چون «بندآنگشتی»،

«شاهزاده‌حلقه»، «جادوگر در قایق سنگی»،

«کوهستان آبی»، «دختر ملکه گل‌ها» و…

عاشقانه‌هایی به سبک کهن



عاشقانه ۱

سیدمحمد سیف‌زاده

انتشارات کاکتوس

چاپ اول: ۱۳۸۶

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰ تومان

«عاشقانه ۱» مجموعه‌یی است از غزلیات سیدمحمد سیف‌زاده؛ غزلیاتی که در آنها شاعر به استقبال غزل‌های مشهور ایرانی رفته است. سیدمحمد سیف‌زاده متولد سال ۱۳۲۸ در قم و از وکلای برجسته دادگستری و دارای مدرک دکترا در رشته جامعه‌شناسی کبفری و تاریخ است. در مقدمه ناشر بر غزلیات «سیدمحمد سیف‌زاده» آمده است: «عسران در گذشته آمده‌اند و سینه به سینه مشاهدات آنها به ما منتقل شده است و ما از تجربیات آنها باید بتوانیم نتیجه‌های جدیدی بگیریم و حرف‌های تازه را جست‌وجوگر باشیم.»

آل پاجینو به روایت آل پاجینو



گفت‌وگو با آل پاجینو

لارنس گرابل

ترجمه: فرزاد فرید

نشر کتاب پنجره

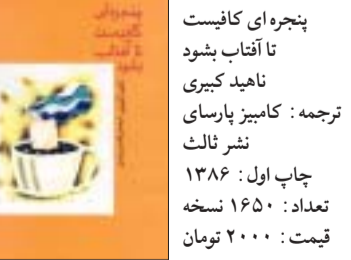
چاپ اول: ۱۳۸۶

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۸۰۰ تومان

«گفت‌وگو با آل پاجینو»، حاصل گفت‌وگویی مفصل لارنس گرابل با هنرپیشه‌یی است که به گواه خود لارنس گرابل در مقدمه کتاب به راحتی تن به گفت‌وگو نمی‌داده است. لارنس گرابل همان روزنامه‌نگاری است که پیش از پاجینو، توانست با «مارلون براندو» هم گفت‌وگویی انجام دهد. گفت‌وگو با آل پاجینو گفت‌وگویی است خواندنی که خود «آل پاجینو» در مقدمه آن گفته است انگیزه اصلی‌اش برای پذیرفتن آن خواندن گفت‌وگوی گرابل با مارلون براندو بوده است و دیگری خود شخصیت گرابل. گفت‌وگو با «آل پاجینو» را نشر پنجره منتشر کرده است.

مجموعه اشعار ناهید کبیری



پنجره‌ای کافیت

تا آفتاب بشود

ناهید کبیری

ترجمه: کامبیز پارسای

نشر ثالث

چاپ اول: ۱۳۸۶

تعداد: ۱۶۵۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

«پنجره‌ای کافیت تا آفتاب بشود» تازه‌ترین

مجموعه شعر ناهید کبیری است. مجموعه‌یی شامل

۳۰ شعر از این شاعر معاصر. ضمن اینکه ترجمه

انگلیسی شعرها را نیز در کتاب آمده است. شعرها را

کامبیز پارسای به انگلیسی ترجمه کرده است. شعر

«شب» را از این مجموعه با هم می‌خوانیم:

شب می‌آید / شب شب می‌آید / و آرزوها را /

شب می‌آید. / دستم باز نیست / دستم باز نیست /

تا بیداری را / از مزغری رسیده‌ی خورشید / درو کم